

حسین آمانا، مدرس مطرح قرآن، یک خاطره شنیدنی از کلاس‌های درسش دارد

شوخی با جوراب پاره



● جورابی که علت خنده شد

آقا معلم وقتی به خانه برگشت، ذ هنش به طور کامل درگیر بود. دلش می‌خواست به آن پسر کمک کند، اما می‌دانست اگر مستقیم برایش جوراب بخرد یا به او چیزی بگوید، شاید بیشتر معذب کند و حتی دیگر سر کلاس نیاید؛ «نوجوان‌ها به ظاهر ساده‌اند، اما دنیایشان پر از ظرافت و حساسیت است. باید کاری می‌کردم که غرورش نشکند و در عین حال احساس امنیت کند.» استاد آمانا جلسه بعد با جورابی به کلاس رفت که به طور عمد چند سوراخ داشت؛ «موقع درس دادن از جا بلند شدم و عمداً جوری ایستادم که بچه‌ها سوراخ جورابم را ببینند. بعد هم با خنده شروع کردم به شوخی با خودم و جورابم. همه زدند زیر خنده و فضای کلاس مثل همیشه پر از شور شد. امامم تراز همه، همان پسر هم خندید. راحت شد و آن نگاه پر از خجالت تبدیل شد به نگاهی آزاد و بی‌دغدغه.»

از آن روز به بعد، او دیگر آن نوجوان خجالتی نبود. با انگیزه و اشتیاق سر کلاس می‌رفت. سؤال می‌پرسید، تمرین می‌کرد و یکی از بهترین قرآن‌آموزان شد.

این معلم قرآن می‌گوید: این تجربه یکی از عمیق‌ترین درس‌هایی بود که خودم گرفتم. فهمیدم معلمی فقط در دانسته‌ها نیست. یک معلم باید از خودش بگذرد، ساده باشد، صادق باشد، و در دپچه‌ها را بفهمد. رفتارم می‌تواند برای یک شاگرد اعتماد بسازد یا ویرانش کند.

او می‌افزاید: هنوز هم باور دارم معلمی که بخواهد تأثیر واقعی بگذارد، باید از جنس شاگردانش باشد؛ بی‌تظاهر، بی‌ادعا و پر از انسانیت.

فرق داشت. باینکه لبخند روی صورتش بود، نگاهش اضطراب و نگرانی داشت. از آن لبخند‌هایی که فقط برای پنهان کردن چیزی است. آمانا برای اینکه دلیل نگرانی را متوجه شود، حین حرکت بین ردیف‌ها آرام به سمت پسر رفت.

او حرفش را این طور ادامه می‌دهد: دیدم با دستش مدام پایین شلوارش را می‌کشد و روی جورابش را می‌پوشاند. کمی دقت کردم و متوجه شدم جورابش پاره است. آن پسر با تمام وجود تلاش می‌کرد کسی متوجه جورابش نشود. برایش این موضوع شاید خجالت‌آور بود. آن قدر که حتی تمرکزش را در کلاس از دست داده بود.



سمیرا منشادی آونه تنها چهره‌ای مشهودی است، بلکه در عرصه بین‌المللی نیز در زمینه قرائت و تدریس قرآن حرف‌های بسیاری برای گفتن دارد. همچنین از روش‌های مختلف مانند طنز برای آموزش بهره می‌برد.

حسین آمانا، ساکن محله کوی کارگران که در شهرهای مختلف کشور و چند کشور همسایه، شاگردان قرآنی تربیت کرده است، سال ۸۳ به عنوان مدرس برتر قرآن معرفی شد. چند دهه تدریس برای او سرشار از خاطرات شیرین و شنیدنی است.

● نگاه مضطرب دانش‌آموز

شیوه تدریس آمانا با همه معلم‌های قرآنی که تا به حال دیده ایم، متفاوت است. او در فضایی شاد، به آموزش قرآن برای قرآن‌آموزان می‌پردازد. استاد آمانا یکی از خاطره‌های دوران خدمتش را به یاد می‌آورد و بر ایمان تعریف می‌کند: در دوران سربازی ام که در یکی از روستاهای اطراف گناباد خدمت می‌کردم، تصمیم گرفتم در زمان‌های فراغتم برای بچه‌های روستا کلاس قرآن برگزار کنم. استقبال خوبی هم از کلاس شد.

او ادامه می‌دهد: هر بار بچه‌های بیشتری به کلاس می‌آمدند. انگار دلشان می‌خواست کسی جدی‌شان بگیرد، با آن‌ها حرف بزنند، به آن‌ها یاد بدهد و در کنار یادگیری، فضایی شاد و صمیمی را تجربه کنند. آمانا یکی از روزهایی که مشغول آموزش بود، متوجه نوجوانی حدوداً پانزده ساله شد. سایر بچه‌ها در کلاس شاد بودند، می‌خندیدند، مشارکت می‌کردند، اما این پسر حالش

مداح جوان محله بهشتی، می‌کوشد در مسیرش بهترین باشد

مداحی، فقط صدای خوب نیست

دعاها تسلط داشته باشد و بتواند ارتباط معنوی عمیقی با مخاطب برقرار کند. همچنین، صداقت و اخلاص در عمل از جمله ویژگی‌های ضروری است. مداح باید همیشه تلاش کند صدای خود را بهتر کند و در عین حال به آگاهی دینی خود بیفزاید.

● در چه مسابقاتی شرکت کرده و چه افتخاراتی کسب کرده‌ای؟

از کلاس چهارم تا نهم هر سال مقام اول یا دوم مسابقات اذان آموزش و پرورش ناحیه ۳ را کسب کردم. در حال حاضر بیشتر تمرکز من را روی درس گذاشته‌ام و کمتر در مسابقات شرکت می‌کنم. اما بزرگ‌ترین افتخار من این است که دو بار در برنامه محفل اشک حرم مطهر امام رضا^(ع)، تلاوت زیارت عاشورا همراه با مداحی را در ایام محرم و صفر اجرا کرده‌ام. در دارالتفسیر نیز یک بار برنامه اجرا داشته‌ام.

● اوقات فراغت را چگونه می‌گذرانی؟

بیشتر وقت را به تمرین و تکرار مداحی اختصاص می‌دهم. همچنین به انتخاب گزیده اشعار و متن برای تلاوت و مداحی می‌پردازم.

● اهل مطالعه هم هستی؟

کتاب زیاد می‌خوانم، به ویژه کتاب‌هایی که به آموزش مداحی یا زندگی شهید مربوط می‌شوند.

● بهترین کتابی که تا الان خوانده‌ای چه بوده است؟

کتاب سلام بر ابراهیم (زندگی نامه شهید ابراهیم هادی) را به تازگی خواندم و بسیار دوست داشتم.



امید محله

● آیا در کلاس‌های آموزشی مداحی هم شرکت کرده‌ای؟

تا الان به هیچ کلاس آموزشی نرفته‌ام، اما در مجالس معنوی بسیاری شرکت کرده‌ام و پای منبر مداحان نشسته‌ام تا از آن‌ها یاد بگیرم.

● سبک کدام مداح را دنبال می‌کنی؟

کربلایی وحید شکر، مداح مشهدی، الگوی اصلی من است. در کنار او، مداحی‌های حسین طاهری و سید مجید بنی‌فاطمه را نیز دنبال می‌کنم.

● چه ویژگی‌هایی در یک مداح موفق می‌بینی؟

باید علاوه بر داشتن صدای خوب، بر معانی اشعار و

نجمه موسوی زاده ۱۵ ساله بود که در مسجد محله شان یک صفحه از دعای توسل را قرائت کرد. پایان مراسم، عضو هیئت امنای مسجد به او گفت: «پسر، صدای خوبی داری. می‌توانی مداح یا قاری شوی.» با شنیدن این تعریف، عرفان امیریان متوجه استعدادش شد. حالا هشت سال از آن زمان می‌گذرد و عرفان توانسته است پنج بار مقام اول و دوم مسابقات اذان آموزش و پرورش ناحیه ۳ را کسب کند. این نوجوان ساکن محله شهید بهشتی افتخار مداحی در حرم مطهر امام رضا^(ع) را دارد و ۲ سالگی می‌شود که خادم یار حرم رضوی است.

● چطور شد به مداحی علاقه‌مند شدی؟

ابتدا با قرائت دعای توسل و زیارت عاشورا شروع کردم. کم‌کم مکبر مسجد شدم. شاید همین اعتماد و مسئولیتی که در سن کم به من داده شد، باعث شد بیشتر روی صدای خودم کار کنم.

● بعد از کشف استعداد، چطور این مسیر را ادامه دادی؟

شروع کردم به گوش دادن مداحی‌ها و تلاوت دعا‌هایی که استادان مختلف اجرا کرده بودند. آن‌ها را تمرین و سبکشان را دنبال می‌کردم.

